

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

عرض کردیم که در این قسمت از آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» برای اینکه این «ما ظاهر» روشن بشود اول باید مستثنی منه روشن بشود. گفتیم در این که مراد از زینت چیست مجموعاً سه احتمال در آن وجود دارد.

احتمال اول در رابطه با کلمه ی «زینت»

احتمال اول این بود که مراد از «زینت» خود زن باشد، «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی «لَا يُبْدِينَ أَنْفُسَهُنَّ» زن خودش را ابداً آشکار نکند.

در بحث دیروز گفتیم ولو اینکه این احتمال را والد راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) در شرح تحریر الوسيله امام دارند، ولی علاوه بر اینکه ما شاهد و دلیلی در این آیه و یا در جای دیگر بر این مطلب نداریم، این بحث قابل مناقشه است.

مناقشه این است که در خود این آیه دو بار دیگر کلمه ی «زینت» استعمال شده است. يك مورد «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» هست. اگر ما در صدر آیه «زینت» را به خود زن معنا کنیم این ذیل آیه را چطوری معنا بکنیم؟ و «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» اولاً این ارجل که در اینجا آمده معلوم می‌شود که يك زینت‌های مخفی در پاهای این زنها بوده که در اثر راه رفتن و ضرب علی الارض این زینت ها مشخص می شده است. همانند بعضی کفشهایی که امروزه زنان می پوشند و طوری راه می‌روند که در دیگران اثاره شهوت می‌کنند.

حالا اگر زن يك زینتی را بصورت مخفی بعنوان خلخال بر ساق پای خودش بسته باشد اینجا هم وقتی طوری حرکت می‌کند که از صدای او نا محرم متوجه حرکت او می‌شود اینجا ما این «زینت» را به «انفسهن» معنا بکنیم؟ قطعاً با «لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» نمی‌شود این را به انفسهن معنا کرد. و عرض کردیم علاوه بر اینکه والد ما (رضوان الله تعالی علیه) بر این احتمال نظر دارند، فخر رازی هم در تفسیر خودش دارد و دو دلیل هم آورده است که هردو دلیل ایشان را ما در بحث دیروز مورد مناقشه قرار دادیم.

مناقشه دیگر این است که ما برخی از روایات داریم که در ذیل این آیه شریفه آمده و این «ما ظاهر» را به همین زینت‌های عرضی مانند کحل، ثیاب، سوار، قرط، معنا کرده است اگر ما «زینت» را بمعنای خود زن بگیریم دیگر این زینت‌های ظاهری نمی‌تواند مصداق برای خود زن باشد.

و این روایات را نمی‌توانیم بگوییم يك امور تعبدی است که در ذیل آیات وارد شده است؛ بلی در بعضی از روایات وجه و کفین هم آمده است اما عمده ی روایات متمرکز شده است روی همین زینت ظاهری. لذا ما هرچه در این احتمال تأمل کردیم علاوه بر

اینکه هیچ شاهی برایش نیست، بلکه مناقشاتی هم بر آن وارد است.

احتمال دوم در رابطه با کلمه ی «زینت»

احتمال دوم این بود که بگوییم مراد از زینت یعنی مواضع زینت؛ به قرینه این که خود این اشیاء عرضی و این زینت‌های عرضی جدای از مواضع هیچ حرمتی ندارد، اگر يك اجنبی به گردن بند يك زن نا محرم نگاه کند بدون این که ملصق به جسم او باشد حرام نیست و اشکالی ندارد. به این قرینه گفته اند مراد از زینت مواضع باشد. این دلیل را هم ما قبلاً مناقشه کردیم و گفتیم که اصلاً زینت لا یصدق الا آنجایی که متصل به بدن باشد. جایی که جدا باشد اصلاً عنوان زینت برایش اطلاق نمی‌کنند.

احتمال سوم در رابطه با کلمه ی «زینت»

بلی، حالا ما می‌آییم احتمال سومی که می‌خواهیم قبول کنیم می‌گوییم يك ملازمه با مواضع دارد، اما نه اینکه مراد از زینت را از اول مواضع زینت قرار بدهیم.

بزرگانی مثل مرحوم محقق خوئی (رضوان الله تعالی علیه) بر همین احتمال سوم اصرار دارند که بگوییم مراد از زینت نفس ما تزین به المرأة است. یعنی خود آن اشیاء که زن خودش را بوسیله آنها تزین می‌کند. يك شاهدش همین ذیل آیه «لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» است که نیازی به توضیح ندارد.

شاهد دوم اینکه در این آیه 31 مجموعاً سه بار کلمه «زینت» استعمال شده خواهیم «زینت» را به مواضع زینت بگیریم آن وقت ذیل آیه دیگر معنای روشنی ندارد. «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» یعنی لیعلم ما یخفین من مواضع الزینة؟ زن اگر طوری راه برود که از خلخالهایش صدا در بیاید آدم به مواضع زینت آگاهی پیدا می‌کند یا به خود زینت؟ آدم به وجود زینت آگاهی پیدا می‌کند، اما مواضع را هیچ وقت آدم به آن علم پیدا نمی‌کند؛ این هم شاهد خیلی خوبی است بر اینکه نتیجتاً این زینت در این آیه شریفه مراد همین زینت ظاهری است.

از کلمات برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای حکیم در مستمسک استفاده می‌شود که ایشان می‌خواهند يك معنای اعمی بگیرند بگویند زینت اعم از زینت خلقی و زینت ظاهری است. اعم از زینت خلقی و زینت اکتسابی است، ایشان فرموده اند که بعید نیست ما در اینجا يك معنای اعمی را بیاییم در تقدیر بگیریم. در این آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» اینجا می‌شود معنای اعمی را گرفت. به عبارتی دیگر «ما ظهر منها» یعنی «ما ظهر من الزينة الخلقية» مثل وجه و کفین و ما ظهر من الزينة المكتسبة مثل خاتم و سوار و

اما ذیل آیه را چطوری می‌توانیم معنای اعمی برایش بگیریم «لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» ظهور قوی دارد در همان زینت عرضی آن زینت‌های عرضی که در زیر چادر یا گردنبندی که در زیر لباس و در زیر چادر مخفی است اینها در اثر حرکت دیگری علم به او پیدا می‌کند، اما دیگری علم به مواضع پیدا نمی‌کند. پس این احتمال که زینت را هم اعم از زینت خلقی و اکتسابی بگیریم این هم درست نیست؛ آیه همین معنای ظاهری روشنی که دارد این زینت‌های که زنها برای خودشان قرار می‌دهند زینت‌های صناعی عرضی اینها را حق ندارند برای دیگران ابداء بکنند الا ما ظهر منها مگر آنی که ظاهر است، آنی که ظاهر است مثل انگشتر و خاتم و سوار و کحل و ثیاب و خضاب اینگونه امور.

حالا که زینت معنایش روشن شد بحث الان متمرکز می‌شود که بالاخره مراد از این استثناء چیست؟ حالا زینت معنایش روشن شد مستثنی منه زینت عرضی است. مراد از این «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» چیست؟ قبلاً عرض کردم که به این قسمت از آیه شریفه هم علماء شیعه (رضوان الله تعالی علیهم) و هم علماء اهل سنت از میان هردو گروه بر این آیه هم بر جواز ابداء وجه و کفین استدلال کرده اند و هم بر حرمت ابداء وجه و کفین استدلال شده است که ما باید ببینیم بیان و تقریرش چیست؟ برای آنهایی که می‌گویند ما از این «إِلَّا مَا ظَهَرَ» استفاده می‌کنیم جواز ابداء وجه و کفین، ما وقتی زینت را به معنای زینت عرضی گرفتیم «مَا ظَهَرَ» میشود آن زینت‌های ظاهره، حالا زینت ظاهره چیست؟ زینت ظاهره در روایات برایش مصادیقی ذکر شده است.

مصادیق زینت های ظاهره در روایات

یکی از آن روایات که در کافی (جلد 5، ص 521، ح 3) وارد شده است: «زاررة عن أبي عبدالله (ع) في قول الله تبارك و تعالی الا ما ظهر منها قال: الزينة الظاهرة الكحل والخاتم» یعنی: زینت ظاهره کحل است (سرمه) و خاتم (انگشتر) است. روایت دوم هم در همین کافی آمده است: ابی بصیر از امام صادق نقل می‌کند، «قال: سألت عن قول الله عز و جل و لا یبدین زینتھن الا ما ظهر منها؟ قال: الخاتم و المسکة و هی القلب». حضرت فرمودند مراد از زینت خاتم و مسکه است. در ادامه راوی یا خود حضرت مسکه را معنا کرده اند که مسکه همان قلب که به معنای سواری است می باشد. آن دست بندی است که یک نظم مشخصی دارد.

در تفسیر جوامع الجامع هم آمده که «الزينة: ما تزینت به المرأة من حلّ، أو كحل، أو خضاب، و هی ظاهرة و باطنة فالظاهرة لا یجب سترها، و هی الثیاب»^[1] البته ایشان زینت ظاهره را به ثیاب معنا کرده است. یعنی تا اینجا از مصادیق زینت ظاهره کحل، خاتم، قُلب و ثیاب ذکر شد.

در مجمع البیان^[2] و همچنین در تفسیر علی بن ابراهیم قمی^[3] زینت ظاهره را به کفان و اصابع تعبیر کرده اند که کفان را می توان به کف دست و رجل و یا کف دوید معنا بکنیم.

باز در همین تفسیر علی بن ابراهیم قمی يك روایتی از ابی الجارود (که در ابی الجارود اختلاف است) از امام باقر (ع) نقل شده است «و في رواية أبي الجارود عن أبي جعفر (عليه السلام) في قوله: «و لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» فهي الثياب و الكحل و الخاتم و خضاب الكف و السوار، و الزينة ثلاث: زينة للناس و زينة للمحرم و زينة للزوج، فأما زينة الناس فقد ذكرناه، و أما زينة المحرم فموضع القلادة فما فوقها و الدمليج و ما دونه و الخلخال و ما أسفل منه و أما زينة للزوج فالجسد كله» .

حضرت در این روایت فرموده اند: سه نوع زینت داریم؛ زینة للناس، زینة للمحرم و زینة للزوج. آن زینتی که برای مردم جایز است همین ثیاب و کحل و خاتم و خضاب و سوار است. اما زینتی که برای محرم ابدایش جایز است چند محل است. اول محل گردنبند و ما فوق آن، دوم دملج و پایین تر از دملج است. دملج يك چیزی است که به بازو بسته می‌شود. سوم خلخال و پایین تر از خلخال نیز جایز است که خلخال چیزی است که به پا بسته می‌شود. اینها هم زینتی است که نسبت به محارم می‌تواند زن نشان بدهد.

«و اما زينة الزوج فالجسد كله» آنچه که زینت برای زوج است تمام بدن است. ملاحظه فرمودید که در غالب این روایات همین زینت‌های ظاهری را ذکر کرده است، در بعضی روایات هم اشاره به کفان دارد.

يك روايت ديگر هم در كافى است كه اشاره به وجه هم دارد «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَرَى مِنَ الْمَرْأَةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُحَرَّمًا قَالَ الْوَجْهُ وَ الْكَفَّانِ وَ الْقَدَمَانِ». كه حضرت در جواب كسى كه پرسيد: اگر يك زنى محرم نباشد مرد اجنبى چه مقدار از او را مى تواند ببيند؟ فرمودند: «الوجه و القدمان و الكفان».

البته اين روايت بعنوان بيان «الا ما ظهر» نيست. چرا كه از امام سؤال مى كند مرد اجنبى چه مقدار از بدن زن اجنبيه را مى تواند ببيند مى فرمايد: وجه، كفان و قدمان؛ اما به عنوان تفسير آيه «الا ما ظهر» وارد نشده است.

اين مقدارى كه من روايات را ديدم اصلاً در روايات چيزى بعنوان تفسير براى «ما ظهر» وارد نشده است، حالا اين را آقاياي خودشان هم يك دقتى بفرمايند و يك بررسى كنيد در روايات چيزى بعنوان تفسير يا مصداق براى ما ظهر بعنوان وجه و كفان نيامده است، از تفسير على بن ابراهيم هم نقل شده است اما معلوم نيست كه آن هم بعنوان روايت باشد يا اگر هم روايتى است بعنوان تفسير آيه معلوم نيست باشد مثل همين روايتى كه از امام صادق سؤال مى كند چه مقدار از بدن زن اجنبيه را مرد مى تواند ببيند؟ مى فرمايد: وجه و قدمان و كفان. اما ديگر نفرمودند وجه و قدمان و كفان همان الا ما ظهري است كه در آيه آمده است. لذا لا يبعد كه ما ادعا كنيم كه اصلاً روايات «الا ما ظهر» را فقط زينت هاى عرضى و مكتسبه ذكر كرده است.

اينجا چند مطلب وجود دارد، يك مطلب اين است كه آيا ذكر اينها از باب تعبد است يا از باب مصداق است، يعنى آيه شريفه مى فرمايد زن هر مقدار زينت ظاهره و عرضى دارد اشكالى ندارد، حالا يك مصداقش خاتم است حالا فرض كنيد در زمان ما ناخن را بعضى از زنها بر مى دارند يك ناخن خاصى روى آن ناخنشان قرار مى دهند براى زينت، از باب اينكه مسئله اش را هم زياد سؤال مى كنند كه براى وضو چكار بايد بكنند. حالا اگر يك ناخن را قرار دادند روى ناخن هاى طبيعى خودشان براى زينت، اين را هم مى توانيم بگويم عنوان زينت ظاهره را دارد، همانطوري كه انگشتر، سوار، خضاب و ... بعنوان زينت ظاهره ذكر شده است، اين را هم بعيد نيست كه بگويم عنوان زينت ظاهره را دارد.

دفع يك توهم

يك نکته ي را براى دفع يك توهمى ذكر كنيم، ممكن است كسى توهم كند كه اين «الا ما ظهر» به اختلاف اشخاص و اقوام و گروه ها مختلف مى شود. در اين مسأله بايد خوب دقت كنيد. چون در بعضى از اين نوشته ها مطلبى را ديدم كه يادم نيست كجا بود. ولى مى گويند: مثلاً فرض كنيد زنى كه در عشاير هست اين ما ظهريش بازنى كه در شهر هست فرق مى كند. زنى كه آشپز هست با زنى كه دارد تدريس مى كند فرق مى كند. و حتى تا اين مرحله پيش رفته اند فرض كنيد كه اگر يك زنى در منزل انسان رختشويى مى كند، كارگرى مى كند و اين زن كارگر معمولاً ما ظهريش ممكن است تا مرفقش باز باشد، حتى دارد كار مى كند يا قسمتى از پاى او بيشتر از قسمت هاى زنهاى ديگر باز باشد، مى گويند اين هم صدق «ما ظهر» مى كند و گفته اند اشكالى ندارد. البته اين حرف حرف فقيهان نيست؛ منتهى انسان گاهى اوقات در بعضى از اين نوشته جات روزنامه اى اين حرفها را مى بيند. اين مطلب بطلانش روشن است؛ اين «الا ما ظهر» بعد از اين كه روشن شد مراد زينت ظاهره است، زينت ظاهره يعنى آنى كه نوع زنها اظهار مى كنند و ظاهر است. نوع زن انگشترش مشخص است، خضابش مشخص است، كحلش مشخص است اين مى شود زينت ظاهره، ما الان بگويم اين «الا ما ظهر» ما ظهر بحسب اشخاص و شغلها و شهرها و كشورها مختلف مى شود، اينطوري اگر بخواهيم بگويم لازمه اش اين است آنجاهاى كه «ما ظهر» همه بدنشان ما ظهر است. پس بگويم آيه مى گويد مانعى ندارد چون آنجا ظاهر همه جسمشان است و تمام اعضا بدنشان است، نمى شود كه آيه را اينطور معنا كرد لذا اين حرف اساسى ندارد.

«ما ظهر» همين زينت هاى ظاهري است، همينى است كه نوع زنها بعنوان زينت ظاهره استفاده مى كنند. حالا كه اين نکته روشن

شد و روایاتش را هم بیان کردیم بحث این است که آیا با این بیان، خوب اینها را دقت کنید ما مستثنی منه را انفسهن قرار ندادیم، مواضع قرار ندادیم، خود زینت قرار دادیم آیا می‌توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم که وجه و کفین استثناء است یا نه؟

طرق استثناء وجه و کفین

از این «الا ما ظهر» می‌توانیم وجه و کفین را استفاده کنیم یا نه؟ اینجا چند راه وجود دارد، راه اول این است که يك روایتی که بعنوان تفسیر آیه بیاید زینت ظاهره را بر وجه و کفین تطبیق بکند پیدا نکنیم. باز اشتباه نفرمایید در روایات، روایات متعددی داریم که وجه و کفین استثناء شده است؛ اما بعنوان اینکه تفسیر این آیه باشد من ندیدم (شما ملاحظه کنید اگر پیدا کردید برای بنده هم بیاورید). حالا اگر روایتی باشد که وجه و کفین را استثناء کرده باشد تعجباً باید بپذیریم.

راه دوم این است آنهایی که «زینتهن» را به مواضع زینت معنا کردند و این زینت‌های ظاهری را هم استثناء از آن می‌دانند می‌گویند: «لایبدين زینتهن» یعنی مواضع زینت، «الا ما ظهر» که مواضع ما ظهر، مواضع ما ظهر می‌گویند می‌شود دست، صورت.

این اشکالش این است انگشتی که موضع تمام دست نیست، کحل که موضعش تمام صورت نیست، باز نمی‌توانیم به این نتیجه برسیم.

بلی ما يك بیان سومی را خودمان داریم و آن این است که ملازمه عادی وجود دارد که اگر گفتیم شارع فرموده زینت‌های ظاهری ابدایش اشکال ندارد کسی که بخواهد انگشترش را ابداء بکند خواه ناخواه دستش هم ابداء می‌شود نمی‌توانیم بگوییم همه قسمت‌ها را بپوشاند فقط انگشتر را نشان بدهد. نمی‌شود کسی که کحلش بخواهد آشکار باشد صورتش آشکار است معمولاً. يك ملازمه ظاهری و عادی وجود دارد بین رؤیت و ابداء خود زینت ظاهره و مواضعش.

ما نمی‌گوییم در آیه زینت را به مواضع معنا کنیم. بلکه زینت را به خود زینت معنا می‌کنیم «ما ظهر» را هم طبق این روایاتی که وارد شده است به همین زینت ظاهره معنا می‌کنیم اما ادعا می‌کنیم بین این زینت‌های ظاهری و مواضع که خود وجه و کفین باشد يك ملازمه عادی وجود دارد.

در میان اهل سنت مالکی‌ها و حنفی‌ها هم معتقد هستند که وجه و کفین سترش واجب نیست، و می‌گویند زن تمام بدنش عورت است اما وجه و کفین را بعنوان عورت نمی‌دانند و اینها به این آیه استدلال کرده‌اند، منتها در بیان این استدلال «ما ظهر» را ما حالا روایات خودمان را از ائمه طاهرين داریم که این ما ظهر بمعنای همین زینت‌های ظاهری است.

اینها گفته‌اند «ما ظهر منها - ای ما دعت الحاجة الی کشفه و اظهاره» یعنی آنی که حاجت انسان را وادار می‌کند، حاجت زن را وادار می‌کند که اظهار بکند «و هو الوجه و الکفان».

حالا نکته ای که اینجا وجود دارد این است که اهل سنت هم روایاتی دارند، ابن مسعود گفته: «ظاهر الزينة الثياب». ابن جبیر آمده به ثياب وجه را اضافه کرده است. باز اوزاعی آمده کفان را اضافه کرده، باز ابن عباس و قتادة گفته‌اند: «ظاهر الزينة هو الکحل و السوار و الخضاب و القرط والفتخ»^[4]. قرط ظاهراً گوشواره باشد، در این که گوشواره از زینت ظاهره است یا باطنه اختلاف دارند. فتخ هم يك انگشترهای خیلی بزرگی بوده که بدست می‌کردند.

حالا باید دید که آیا مالکی و حنفی با توجه به این روایات می‌خواهند «ما ظهر» را معنا کنند یا «ما ظهر» را با قطع نظر از روایات، که ظاهرش این است که اینها با قطع نظر از روایات می‌گویند «ما ظهر» یعنی «ما دعت الحاجة الی کشفه» آنی که

حاجت و ضرورت اقتضا می‌کند که او را اظهار بکند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] تفسير جوامع الجامع، ج3، ص: 103.

[2] مجمع البيان في تفسير القرآن، ج7، ص: 217.

[3] تفسير القمي، ج2، ص: 102.

[4] الجامع لأحكام القرآن، ج13، ص: 228.